



کنفرانس استاد علمدار

موضوع: افسانه عبدالله ابن سبا

موضوعی که قرار هست در مورد آن در حد مطالعات شخصی
ام برای شما مطرح کنم افسانه عبدالله بن سبا هست که وهابیت

عليه شيعه اين داستان خيالی را ساخته اند (که بیشتر شبیه افسانه می ماند تا شبیه شبهه) و گفتن مذهب شيعه، وابسته به ایشان است.

ابن تیمیه بنیان گذار نظری، فرقه وهابیت که دشمنی او با اهل بیت و انکار فضائل آنها مشهور هست در مورد عبدالله بن سبأ در کتاب مجموع فتاوي می گوید :

أن أصل الرفض من المنافقين الزنادقة، فإنه ابتدعه ابن سبأ الزنديق و أظهر الغلو في علي بدعوى الإمامة و النص عليه و ادعى العصمة له.

اساس مذهب شيعه برمي گردد به منافقين و ملحدین به نام عبدالله بن سبأ ملحد که ایشان درباره علي، غلو کرد و گفت او امام است و پیامبر هم او را به نام خليفه، نصب کرده است و مدعي عصمت علي است.

مجموع الفتاوي لابن تیمیه، ج ۴، ص ۴۳۵ .

حال آنکه خود اینها معتقدند که عبدالله بن سبأ را خود
امیرالمؤمنین (ع) کشت و یا او را در آتش سوزاند □ که البته
بعد از کشتنش او را سوزاند ...

نقد بررسی در سه قسمت هست که به ترتیب هر سه قسمت را
شرح خلاصه خواهم داد.. که ان شاء الله مفید باشد

□ قسمت اول :

اولین کسی که داستان عبد الله بن سبأ را ساخته، چه کسی بود
؟؟؟

تمامی کسانی که این داستان خیالی را ساخته اند به نقل از کتاب
تاریخ طبری بود و از قول فردی به نام سیف بن عمر ...

بعد از طبري هم هر کسی آمده و این داستان رو گفته، به نقل از
تاریخ طبري بوده است.

پس میتوان گفت اصلی ترین منبعی که افسانه ابن سبأ را نقل
کرده، تاریخ طبری بوده

بعد از طبری جناب ابن اثیر در کتاب تاریخش (الکامل فی
التاریخ) - متوفای ۶۳۰ هجری - این قضیه را از طبری نقل
می‌کند ..

و بعد از جناب ابن اثیر ابن کثیر دمشقی - متوفای ۷۷۴ هجری -
در البدایة و النهایة قضایا را از طبری نقل می‌کند و در آخرش
می‌گوید :

هذا ملخص ما ذكره أبو جعفر بن جرير.

این خلاصه سخنی بود که ابن جریر طبری در تاریخ خود بیان
کرده بود.

ابن کثیر ، البدایه و النهایه ، ج ۷ ، ص ۲۴۶ ، چاپ دار الفکر
بیروت .

سپس جناب آقای ابن خلدون - متوفای ۸۰۸ هجری - در تاریخ
خود قضیه را از طبری نقل می‌کند و بعد از قضایای جنگ جمل
و نقش عبد الله سبأ را می‌آورد و می‌گوید :

هذا امر جمل ملخص من كتاب ابي جعفر الطبري اعتمدناه
للوثوق به ولسلامته من الاحوال .

جنگ جمل ، خلاصه آن چیزی است که در کتاب تاریخ طبری
نقل شده ، من به تاریخ طبری اعتماد کردم ؛ چون کتاب موثق
است و از هوای نفس و بدعت ها ، سالم است.

تاریخ ابن خلدون لابن خلدون، ج ۲، بخش ۲، ص ۱۶۶ .

و از علمای معاصر اهل سنت هم چندین نفر این داستان عبد الله
ابن سبا رو از تاریخ طبری نقل کرده اند که ...

پس در نتیجه ...

تمام کسانی که افسانه و اسطوره عبد الله بن سبا را - که به
عنوان موسس مذهب شیعه معرفی کرده اند به تاریخ طبری
برمی گردد و طبری هم فقط از سیف بن عمر نقل می کند، نه از
کسی دیگر.

از طرفی منابع مهمی همچون «طبقات ابن سعد» و «انساب
الاشراف بلاذری» که به نقل حوادث دوران خلافت عثمان و

جریان کشته شدن او پرداخته اند، داستان ابن سبا را نقل نکرده اند!! و باز این نکته هم افسانه بودن این داستان رو قوی تر می کند..

□ قسمت دوم :

آیا این نقل تاریخی عبد الله بن سبا از نظر سندی موثق هست ??
اسکن کتابو میزارم بعد بررسی سندی میکنم

ثم دخلت سنة خمس وثلاثين
ذكر ما كان فيها من الأحداث

فما كان فيها من ذلك نزول أهل مصرَ ذا خُشْبٍ ، حدثني بذلك أحمد بنُ ثابت ، عن حدثه ، عن إسحاق بن عيسى ، عن أبي معشر ، قال : كان ذو خُشْبٍ سنة خمس وثلاثين ، وكذلك قال الواقدي .

... .

ذكر مسير من سار إلى ذي خُشْبٍ من أهل مصرَ وسبب مسير من سار إلى ذي المروة من أهل العراق

فما كتب به إلى السري ، عن شعيب ، عن سيف ، عن عطية ، عن يزيد القنصعي ، قال : كان عبد الله بن سبا يهودياً من أهل صنعاء ، أمه سوداء ، فأسلم زمان عثمان ، ثم تنقل في بلدان المسلمين ، يحاول ضلالتهم ، فبدأ بالحجاز ، ثم البصرة ، ثم الكوفة ، ثم الشام ، فلم يقدر على ما يريد عند أحد من أهل الشام ، فأخرجوه حتى أتى مصرَ ، فاعتصر فيهم ، فقال لهم فيما يقول : لم نجب^(١) ممن يزعم أن عيسى يرجع ، ويكذب بأن محمداً يرجع ، وقد قال الله عز وجل : ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ أَرَادُكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾^(٢) . فحمد أحمق بالرجوع من عيسى . قال : فقبل ذلك عنه ، ووضع لم الرجعة ، فتكلموا فيها . ثم قال لم بعد ذلك : إنه كان ألف نبي ، ولكل نبي وصي ، وكان على وصي محمد : ثم قال : محمد خاتم الأنبياء ، وعلى خاتم الأوصياء ، ثم قال بعد ذلك : من أظلم ممن لم يُجيز وصية رسول الله صلى الله عليه وسلم ، وثب على وصي رسول الله صلى الله عليه وسلم ، وتناول أمر الأمة ! ثم قال لم بعد ذلك : إن عثمان أخذها بغير حق ، وهذا وصي رسول الله صلى الله عليه وسلم .

(١) ب : « تعجبت » ، أين الأثير والنوري : « العجب » . (٢) سورة القصص ٨٥ .

٢٩٤٢/١

دخائر العرب
٣٠

تاريخ الطبري

تاريخ الرسل والملوك
لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري
٢٢٤ - ٣١٠ هـ

الجزء الرابع

تحقيق
مجاهد أبو الفضل إبراهيم

دار المعارف بمصر

سلسله روایت به این شرح است :

۱. سری ۲. شعیب ۳. سیف بن عمر و

در مورد راوی اول یعنی جناب السری .. علمای عامه اتفاق نظر ندارند که ایشان کی بود .. و هر کسی یک نفر را معرفی کرده که به هر کدام اشاره میکنم ..

برخی گفته اند او (سری بن یحیی بن ایاس) بوده اما از آن جا که این شخص در سال ۱۶۱ق در گذشته است و طبری در سال ۲۲۴ق متولد شده پس طبری چگونه تونسته او از روایت نقل کنه؟؟

فلذا روایت مجهول هست

ذهبی در شرح حال او می نویسد :

۱۳۳ - ن: السري بن يحيى بن إياس بن حرملة، أبو الهيثم، الشيباني البصري. [الوفاة: ۱۶۱ - ۱۷۰ هـ]

تاریخ الإسلام ت بشار، ج ۴ ، ص ۳۷۲ .

نظریه اول مجهول شد .. پس این اروی السری یعنی همان (سری بن یحیی بن ایاس) فردی مجهول هست که نه توثیق دارد و نه اینکه طبری نمی تواند از او روایت نقل کند...

برخی هم بر این باورند شخصی که طبری از او روایت نقل کرده {سری بن اسماعیل همدانی کوفی} ، پسر عموی شعبی هست ..

اما این اعتقاد هم نمی تواند صحیح باشد....

چرا که اولاً : شعبی به تاریخ ۱۰۳ ق وفات یافته و طبری به سال ۲۲۴ ق متولد شده است ؛ یعنی سری نمی تواند طبری را درک نموده باشد.

□□

ذهبی در شرح حال او می نویسد :

۱۶۵ - ق: السري بن إسماعيل الهمداني الكوفي. [□ الوفاة: ۱۴۱

- ۱۵۰ هـ]

عن: ابن عمه عامر الشعبي، وقيس بن أبي حازم.

تاريخ الإسلام ت بشار، ج ٣ ، ص ٨٧٠ .

نظريه دوم هم باطل شد .. و تا اینجا ثابت شد که فردی که
طبری از او روایت نقل کرده فردی مجهول بوده و همچنین او
معاصر طبری نبوده

اما یک نظریه دیگر هم هست..

گروهی دیگر نیز معتقدند طبری از : {سری بن عاصم بن سهل
همدانی} روایت کرده ..

هرچند این شخص معاصر طبری است، ولی او نیز نزد
دانشمندان رجال از اعتبار برخوردار نیست و برخی او را
سارق روایت و دروغگو معرفی نموده اند.

ذهبی در شرح حال او می نویسد :

٢٢٦ - السري بن عاصم، أبو سهل الهمداني الكوفي. [الوفاة:
٢٥١ - ٢٦٠ هـ] ؛ □ أحد الضعفاء.

تاریخ الإسلام ت بشار، ج ٦ ، ص ٨٨ .

پس در نتیجه این که : سری شخصیت مجهول و مبهمی نزد عامه دارد و شخصی که مجهول باشد در نزد علمای رجال قابل اعتماد نیست و روایتش حجت نیست... فلذا اصل این داستان به کلی باطل شد ..

در مورد راوی دوم هم اختلاف زیاد هست ..

اما مهم ترین کسی که در سند این روایت تاریخی وجود دارد شخص به نام سیف بن عمر هست .. اقوال علمای اهل سنت رو در مورد وی میارم ..

تمامی علمای اهل سنت اتفاق نظر دارند که این شخص فردی ضعیف و غلو کننده بود ..

یحیی بن معین امام جرح و تعدیل اهل سنت در مورد (سیف بن عمر) می نویسد :

۸۵۱- سيف بن عُمر الضبي كوفي.

سمعتُ ابن حماد يقول، حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ، عَنْ يَحْيَى، قَالَ: سيف بن عُمر الضبي ضعيف.

«حديث او ضعيف و سست است و خیری در احاديث او نیست».

الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۴ ، ص ۱۵۷ ، الناشر: الكتب العلمية - بيروت-لبنان .

جناب نسایی در کتاب الضعفاء والمتركون اسم این شخص رو آورده و گفته ضعیف است ..

۲۵۶ - سيف بن عمر الضَّبِّيَّ ضَعِيف .

الضعفاء والمتركون، ج ۱ ، ص ۵۰ .

<http://shamela.ws/browse.php/book-10805#page-40>

نفر بعد جناب عقیلی در کتاب الضعفاء سيف رو آورده :

٦٩٤ - سَيْفُ بْنُ عُمَرَ الضَّبِّيُّ، كُوفِيٌّ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى قَالَ:
حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: سَمِعْتُ يَحْيَى يَقُولُ: سَيْفُ بْنُ عُمَرَ
الضَّبِّيُّ يُحَدِّثُ عَنْهُ الْمُحَارِبِيُّ، [هُوَ ضَعِيفٌ] .

الضعفاء الكبير، ج ٢ ، ص ١٧٥ .

جناب شمس الدين ذهبی هم اجماع بر ضعیف بودن سیف بن
عمر کرده

اسکن کتاب

المَغْنَم

في الضعفاء

للإمام الحافظ شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي

ولد سنة ٦٧٣ وتوفي سنة ٧٤٨
رحمه الله تعالى

كتبه

نور الدين عتر

أستاذ التدريس وعلوم القرآن

والحديث وعلومه

كلية الشريعة - جامعة دمشق

عني بطبعه ونشره

خادم العلم

عبدالله بن إبراهيم الأنصاري

طبع على نفقة

إدارة إحياء التراث الإسلامي
بمدينة قطر

۲۷۱۵ - خ م [ه د س ق ه] سيف بن سليمان المكي ، صاحب مجاهد ، ثقة ، إلا أنه رمي بالقدر (قال ابن معين : قدري) .
 ۲۷۱۶ - ت / سيف بن عمر التميمي الأسدي ، له تواليف ، متروك باتفاق ، وقال ابن حبان : « اتهم بالزندقة » قلت : « أدرك التابعين وقد اتهم » . [ه قال ابن حبان : « يروي الموضوعات » ه] .
 ۲۷۱۷ - سيف بن عميرة ، عن أبان بن تغلب وغيره ، تكلم فيه [ه قاله الأزدي ه] .
 ۲۷۱۸ - ت / سيف بن محمد ابن أخت سفيان الثوري ، عن التابعين . قال أحمد : « كذاب » [ه يضع الحديث ه] .
 ۲۷۱۹ - (سيف بن المبارك الدينوري ، عن محمد بن فضيل . قال الخليلي : « لا يحتج به ») .
 ۲۷۲۰ - سيف بن مسكين ، عن سعيد بن أبي عروبة ، وهاه ابن حبان .
 ۲۷۲۱ - سيف بن منير ، عن أبي الدرداء ، فيه جهالة . ضعفه الدارقطني ، (وهو مجهول ، له عن أبي الدرداء مرفوعاً :

۲۷۱۵ - « ثقة ، ثبت ، رمي بالقدر ، من السادسة » . أخرج له البخاري أربعة أحاديث بسند عال ، لها متابع أو شاهد ، انظر الهدى .
 ۲۷۱۶ - « صاحب كتاب الردة ، ضعيف في الحديث ، عمدة في التاريخ ، من الثامنة » . قلت : ليس ثمة دليل على زندقته ، بل الروايات عنه تدل على خلاف ذلك .

- ۴۱۹ -

ذهبی در شرح حال سيف بن عمر گفته :

همه دانشمندان و علمای اسلام ۱۱ اجماع و اتفاق دارند بر این که حدیثش متروک است. ابن حبان هم گفته است او متهم به زندقه است.

ذهبی در میزان الاعتدال هم در مورد سيف گفته

قال عباس، عن يحيى: ضعيف.

وروى مطين، عن يحيى: فلس خير منه.

وقال أبو داود: ليس بشيء.

وقال أبو حاتم: متروك.

وقال ابن حبان: اتهم بالزندقة.

وقال ابن عدي: عامة حديثه منكر.

ميزان الاعتدال للذهبي، ج ٢، ص ٢٥٥ .

— ٢٥٥ —

٣٦٣٦ — [صح] سيف بن سليمان [خ، م] المكي . أحد الثقات . روى عن مجاهد وغيره . وعنه أبو أميم وجماعة .

قال ابن معين : قدري .

قلت : حدث يحيى القطان مع ثمنته عن سيف . وأما ابن عدي فأوردته في الكامل ، وساق له حديثه عن قيس بن سعد ، عن عمرو بن دينار ، عن ابن عباس مرفوعا : قضى بيمين وشاهد . وقد سأل عباس يحيى بن معين عن هذا الحديث فقال : ليس بمحفوظ ، وسيف قدري .

قلت : رواه أيضاً عبد الرزاق ، عن محمد بن مسلم الطائفي ، عن عمرو . ويروى عن داود المطار ، عن عمرو ، ثم قال ابن عدي : أرجو أنه لا بأس به . وقال أحمد : ثقة . وقال علي ، عن يحيى بن سعيد : كان عندنا ثبنا ممن يصدق أو يحفظ . وقال النسائي : ثقة ثبت .

٣٦٣٧ — سيف بن عمر [ت] الضبي الأسدي^(١) . ويقال التيمي البزجي ، ويقال السدي الكوفي . مصنف الفتوح والردة وغير ذلك . هو كالواقدي . يروى عن هشام بن عروة ، وعبيد الله بن عمر ، وجابر الجعفي ، وخلق كثير من المجهولين . كان أخباريا عارفا . روى عنه جبارة بن المغلس ، وأبو معمر القطيعي ، والنضر ابن حنا . المتكفي ، وجماعة .

قال عباس ، عن يحيى : ضعيف . وروى مطين ، عن يحيى : فليس بخير منه . وقال أبو داود : ليس بشيء . وقال أبو حاتم : متروك . وقال ابن حبان : اتهم بالزندقة . وقال ابن عدي : عامة حديثه منكر .

عبيد الله بن سعد الزهري ، عن عمه يعقوب ، حدثنا سيف بن عمر ، عن وائل أبي بكر ، عن الزهري ، عن عبيد الله ، وعن عطية بن الحارث ، عن أبي أيوب ، عن علي ، وعن الضحاك ، عن ابن عباس ، قال : كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يمرض نفسه على القبائل بمكة يمدحهم الظهور ، فإذا قالوا : لمن الملك بعدك ؟ أمسك ،

(١) ه ، والتعذيب : الأسدي ، والمثبت في س ، خ .

پس تا اینجا طبق نقل اقوال علمای اهل سنت ثابت شد اولین کسی که این داستان خیالی را ساخته جناب طبری بوده و طبری هم از سیف بن عمر این روایت رو نقل کرده و اجماع علمای اهل سنت بر تضعیف بودن او هست ..

و همچنین بعد از طبري هم هر کس آمده و این داستان رو گفته، به نقل از تاريخ طبري بوده است.

یک نکته دیگر هم یادم نرفته خدمت شما عرض کنم این است که مخالفین عبد الله بن سبا را مؤسس مذهب شیعه معرفی کرده اند ، در حالی که خودشان اسناد صحیح روایت دارند که پیامبر (ص) فرمودن :

" بلغوا عني ولو آية، وحدثوا عن بني إسرائيل ولا حرج"

برسانید از جانب من ولو یک آیه را، و از یهود بنی اسرائیل حدیث نقل کنید و این هیچ اشکالی ندارد..

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۱ ، ص ۲۵ ، ح ۶۴۸۶ .

این روایت در مسند احمد نقل شده و محقق وهابی شعیب
الأنووط گفته : إسناده صحيح على شرط البخاري .

آیا باز میتوانند بگن مذهب شیعه برگرفته از فردی یهودی به اسم
ابن سبا هست؟؟ طبق این روایت صحیح ما هم الان میتونیم بگیم
حتما الان اکثر روایات شما برگرفته از یهود و نصارا هست
که البته این چنین هم هست ...

در همین تاریخ طبری آمده است (کعب الاحبار) یهودی بوده و
در زمان خلافت عمر به ظاهر مسلمان شد تاجایی که عمر او را
به عنوان مشاور اعظم خود انتخاب کرد...!!

ابن کثیر هم بعد از نقل روایت ابو هریره از کعب الاحبار می
نویسد :

وهذه الأقوال والله أعلم كلها مأخوذة عن كعب الأحبار فإنه لما
أسلم في الدولة العمرية جعل يحدث عمر رضي الله عنه عن كتبه
قدیما فریما استمع له عمر رضي الله عنه فترخص الناس في
استماع ما عنده ونقلوا ما عنده عنه غثها وسمینها ولیس لهذه الأمة
والله أعلم حاجة إلى حرف واحد مما عنده ..

به خدا سوگند که تمام این گفته ها برگرفته از ۱ کعب الاحبار است که در زمان خلافت عمر، مسلمان شد و از کتاب های قدیمی یهود، برای عمر نقل حدیث می کرد و عمر هم به سخنان وی گوش می داد ۱ و هم به مردم اجازه می داد که به گفته های وی گوش فرا دهند و کعب الاحبار آن چه را از مطالب بی پایه و اساس داشت برای مردم نقل می کرد، با این که این امت به سبب فرهنگ غنی اسلامی خود، حتی به يك حرف این یهودی نیاز نداشتند.

تفسیر القرآن العظیم ، ج ۷ ، ص ۲۸ ، الناشر: دار الکتب العلمیة
- بیروت .

حال سوال ما از برادران اهل سنت این است شمایی که موسس مذهب تشیع رو به عبد الله بن سبأ نسبت می دهید آیا از خود خلیفه خود خبر دارید که فردی یهودی آورد مشاور اعظم خود کرد .. و از او در کتابهاتون روایاتی زیادی دارید ... آیا برای این جواب دارید..

□ قسمت سوم :

آیا علمای شیعه عبد الله بن سبا را را موسس مذهب شیعه معرفی کرده اند؟؟

از نظر علمای امامیه شخص عبد الله بن سبا فردی کافر و غلو کننده ای بود شیخ طوسی (ره) در کتاب رجال خود در مورد وی می نویسد :

۸۰ - عبد الله بن سبا، الذي رجع الى الكفر وأظهر الغلو .

عبدالله بن سبا کسی است که پس از مسلمان شدنش، کافر شد و مطالب غلوّی را اظهار کرد.

رجال الطوسي للشيخ الطوسي، ص ۷۵ .

<http://lib.eshia.ir/14027/1/75>

علامه حلی (ره) هم صراحت دارد عبدالله بن سبا یک فرد غلو کننده و ملعون بود که امیرالمؤمنین (علیه السلام) او را با آتش سوزاند و او تصور می کرد که امیرالمؤمنین (علیه السلام)، خدا یا پیامبر است. □ خدا او را لعنت کند.

۱۹ - عبد الله بن سبأ - بالسین المهملة، والباء المنقطة تحتها نقطة واحدة - غال ملعون، حرقه أمير المؤمنين (عليه السلام) بالنار، كان يزعم ان عليا (عليه السلام) اله وانه نبي لعنه الله .
خلاصة الأقوال، ص ۳۷۲ ، چاپ موسسه الفقاهاة .

<http://lib.eshia.ir/14022/1/372>

قول مرحوم آیت الله العظمي خوئي (ره) رو هم در اين مورد
بيارم كه خيلى جالبه

ايشون در كتاب معجم الرجال الحديث در مورد عبد الله بن سبأ
مى گويد :

بر فرض كه بگويم عبدالله بن سبأ وجود خارجي دارد، او كافر
شد و ادعاي الوهيت در اميرالمؤمنين (عليه السلام) كرد. نه اين
كه او بگويد امامت حضرت علي واجب است، بلكه سخني
درباره امامت حضرت علي (ع) از زبان او صادر نشده است.
تنها چيزي كه از ايشان آمده، غلو و مطالب دال بر كفر او است.
اين داستان، ساخته و پرداخته فردي است حديث ساز و كذاب به
نام سيف بن عمر.

و أما عبد الله بن سبا، فعلى فرض وجوده فهذه الروايات تدل على أنه كفر وادعى الألوهية في علي عليه السلام لا أنه قائل بفرض إمامته عليه السلام ، مضافا إلى أن أسطورة عبد الله بن سبا و قصص مشاغباته الهائلة موضوعة مختلفة اختلقها سيف بن عمر الوضاع الكذاب .

معجم رجال الحديث للسيد الخوئي، ج ١١، ص ٢٠٧ .

<http://lib.eshia.ir/14036/11/207>

مرحوم كاشف الغطاء (ره) هم صراحتا می گوید :

«اما عبدالله بن سبا که او را به شیعه و شیعه را به او می چسبانند، پس این کتب شیعه است که او را لعن نموده و از او بیزاری جسته اند و کوچک ترین کلمه‌ای که رجالیون شیعه درباره وی گفته اند این است که عبدالله بن سبا ملعون تر از آن است که ذکر شود»

و در ادامه می گوید :

على أنه ليس من البعيد رأي القائل : أنَّ عبدالله بن سبا ، ومجنون بني عامر ، وأبي هلال ، وأمثال هؤلاء الرجال أو الأبطال كلّها أحاديث خرافة وضعها القصاصون وأرباب السّمر والمجون ..

احادیث مربوط به عبد الله بن سبأ، خرافی است و قصه‌گویان و کسانی که به شب نشینی می‌روند و بذله‌گو هستند، این داستان را بافته‌اند.

أصل الشيعة و أصولها ، ص ۱۸۱ .

<http://lib.eshia.ir/27072/1/181>

و همچنین دیگر بزرگان ما بر این‌که عبدالله بن سبأ یک فرد مطرود و ملعونی بوده شکی نیست و او را با عبارت های تند و لعنت از او تعبیر کرده‌اند. پس چطور مخالفین شیعه می‌گویند که اصل اساس مذهب شیعه به عبد الله بن سبأ بر میگردد !!!!!

علامه طباطبائی (ره) هم در کتاب المیزان می‌گوید :

والذي اختلقاه من حديث ابن السوداء وهو الذي سموه عبد الله بن سبأ، وإليهما ينتهي حديثه، من الأحاديث الموضوعة، وقد قطع المحققون من أصحاب البحث أخيراً ان ابن السوداء □ هذا من الموضوعات الخرافية التي لا أصل لها.

قضیه عبد الله بن سبأ، از داستان های ساختگی و از خرافات تاریخ است.

تفسیر المیزان للسید الطباطبائی، ج ۹، ص ۲۶۰.

<http://lib.eshia.ir/12016/9/260>

و حتی عبدالله بن سبأ هم نزد عامه موثق نیست ذهبی در کتاب میزان الاعتدال در مورد او می گوید :

۴۳۴۲ - عبد الله بن سبأ من غلاة الزنادقة. ضال مضل. أحسب أن عليا حرقه بالنار.

عبدالله بن سبأ از غالیان ملحد است و گمراه و گمراه گر است.

میزان الاعتدال للذهبي، ج ۲، ص ۴۲۶.

<http://shamela.ws/browse.php/book-1692#page-1093>

الشيعة هم الفائزون يوم القيامة، [۱۶، ۰۴، ۰۹، ۰۰: ۱۹]

و از همه مهمتر جناب دکتر طه حسین - از شخصیت های برجسته معاصر اهل سنت - صراحت دارد که عبد الله بن سبأ را

دشمنان شیعه ساخته اند و هدف شان زیر سوال بردن فرهنگ
شیعه بوده ..

أراد خصوم الشيعة أن يدخلوا في أصول هذا المذهب عنصرا
يهوديا إمعانا في الكيد لهم و النيل منهم.

دشمنان شیعه، تلاش کردند فردي را به نام عبد الله بن سبا از
تبار يهود بسازند تا بتوانند به اهدافي كه عليه شيعة دارند،
برسند.

الفتنة الكبرى للدكتور طه حسين، ج ٢، ص ٩٨، طبعة دار
المعارف بمصر..

نتیجه این که : در هیچ يك از كتب شیعه ، عبد الله بن سبا را
موسس شیعه معرفی نکرده اند! و کسانی که این داستان خیالی را
ساخته اند از دشمنان شیعه بوده اند که میخواست مذهب مارو
زیر سوال ببرند ..

و همچنین این قضیه نزد خودشان هم مورد قبول نیست چون
اولین کسی که این قضیه را نقل کرده جناب طبری بوده و
روایت طبری هم به صراحت ثابت شد مورد قبول نبود و جناب
سیف بن عمر طبق اتفاق علمای اهل سنت فردی ضعیف بوده ..

والسلام علیکم و رحمة الله